

گفت‌وگوی تفصیلی آفتاب یزد با اسماعیل گرامی‌مقدم:

# نارضایتی‌ها را گردن روحانی نیندازید

◀ **انتخاب بین بد و بدتر در آینده هم ادامه دارد**

◀ **ائتلاف با اصولگرایان به فرهنگ دسترسی به قدرت تبدیل شده است**



اصلاح طلب یا اصولگرایی باشد. اینکه با تغییراتی در جریان اصولگرا یا اصلاح‌طلب بخواهیم توقع داشته باشیم که مردم به متفاوت شدن شرایط امیدوار شوند چنین نیست، مگر اینکه جریانی از بین اصولگرایان، اصلاح طلب به وجود بیاید که یک شوک جدی به جامعه وارد کند.

◀ **آیا قبالا سابقه چنین شوکی بوده است؟**

در انتخابات مجلس پنجم جریان کارگزاران چنین کاری کرد. در آن زمان جریان اصولگرا با فشار باعث ردصلاحیت بسیاری از نیروهای جریان چپ شده بود، جریان راست در انتخابات مجلس چهارم بد عمل کرده بود، در این حین به یکباره جریانی از داخل دولت وارد عرصه سیاسی شد، شوکی را به جامعه وارد کرد و مردم به آنها رجوع کردند. آن‌ها رای آوردند و مجلس پنجم را تشکیل دادند؛ مجلس قدرتمندی که مقدمه‌ای بود برای پیروزی اصلاح‌طلبان در سال ۷۶. اما در چنین شرایطی زمینه را برای به وجود آمدن چنین شوک جریانی مناسب نمی‌بینم اگر قرار باشد چنین شوکی هم اتفاق بیفتد باید گفت ممکن است در درون جریان اصلاحات اتفاق بیفتد و نه اصولگرا، آن هم به این دلیل که جریان اصلاحات بسیار سیال و انعطاف پذیر در برابر مطالبات مردم است.

◀ **از صحبت‌هایتان می‌توان اینطور استنباط کرد که شما هنوز معتقدید اصلاح‌طلبان باید در قدرت بمانند، در حالی که برخی از تئوریسین‌های اصلاح‌طلب می‌گویند بهتر است برای مدتی اصلاح‌طلبان کنار بکشند، وارد مناسبات قدرت نشده و در انتخابات نیز نامزد نشوند و به خود و جریانشان سر و سامان دهند.**

بله! من معتقدم که هر اصلاحی باید در درون قدرت صورت بگیرد. اگر اصلاح در درون قدرت شکل نگیرد معنا پیدا نمی‌کند. شریعتی می‌گوید: «امت شکل نمی‌گیرد تا حرکتی صورت نگیرد.» در همه تنگناها خود ما هم بین بد و بدتر بد را انتخاب کردیم، خود من اگر مجبور شدم به لیست انتخاباتی اصلاح‌طلبان در تهران به عنوان شهروند رای بدهم اگر شرایط عادی بود به این افراد رای نمی‌دادم. آن‌م افرادی که طرح‌هایی را به تصویب می‌رسانند که علیه اصلاح‌طلبان است.

◀ **اما بسیاری معتقدند که میل به قدرت طلبی اصلاح‌طلبان بوده که باعث شده است تا آفت به جان این جریان بیفتد. به نحوی که اکنون این جریان به حاشیه کشانده شده است. فکر می‌کنید تا چه اندازه آفت‌های قدرت طلبی اصلاحات را از نفس انداخته است؟**

قدرت طلبی جزو کارکرد هر جریان سیاسی است، اما اگر قدرت طلبی صرفا برای رسیدن به قدرت و سوءاستفاده از مناصب قدرتی باشد، قطعاً فاسد و حتماً زیان آور بوده و مورد تایید ما نیست. اما اینکه آن جریان یا فرد بر منصب قدرت بنشیند و آرمان‌های خود و مردم را بی بگیرد این را هم میانی دینی ما تایید می‌کند، هم میانی نظری علم سیاست آن را تجویز کرده است. بنابراین اینکه یک جریان سیاسی دنبال قدرت باشد طبیعی است اما حتما من نیز با این امر مخالفم که به خاطر رسیدن به قدرت، از مواضع اصلاح‌طلبی مان کوتاه بیاییم، حتما چنین امری مردود است.

◀ **خیلی‌ها می‌گویند دلیل ائتلاف اصلاح‌طلبان با اصولگرایان نیز در چارچوب همین قدرت طلبی به ازای کوتاه آمدن از مواضع اصلاحات است.**

من با ائتلاف با اصولگرایان همیشه مخالف بوده ام.

◀ **و این ائتلاف را ناشی از همان قدرت طلبی اصلاح‌طلبان می‌دانید؟**

این موضوع اگر ناشی از قدرت طلبی اصلاح‌طلبان باشد حتما با خودش فساد می‌آورد.

◀ **ائتلاف به خاطر قدرت طلبی بود یا نه؟**

بله! بنابراین باید این تقسیم‌بندی را انجام دهیم این قدرت طلبی ناشی از پشت پا زدن به مطالبات مردم حتماً خیانت اصلاح‌طلبان به مردم است و حتما

مردم به مرور در برابر آن واکنش نشان می‌دهند.

ائتلاف یا اصولگرایان به دلیل حفظ قدرت نه تنها اتفاق افتاده بلکه حتی تبدیل به فرهنگ شده این بدعت ما اصلاح‌طلبان است که به خاطر رسیدن به قدرت از همه چیز چشم پوشی کنیم و آن مسائلی را که باطل است را نادیده گرفته و بی‌بیزیریم، برای آنکه در قدرت بمانیم. این مسئله قطعاً باعث ریزش مقبولیت جریان اصلاحات خواهد شد، اگر مردم به ما رجوع کردند به خاطر آن بود که تصور می‌کردند اصلاح‌طلبان در برهه‌های سخت پشت مطالبات مردم بودند گرچه ممکن است در این زمینه دستاوردی نداشته باشند و تنها مانع از تندتر شدن فضا شده باشند، اما مردم این درک را در آن زمان داشتند که اصلاح‌طلبان به خاطر آرمان‌هایشان هزینه‌های زیادی متقبل شدند.

◀ **معمولا در این مواقع که چرا اصلاح‌طلبان دستاوردی نداشته‌اند مسائلی مثل رد صلاحیت اصلاح‌طلبان درجه یک و اعمال**

**فشار علیه آن‌ها مطرح می‌شود در حالی که به نظر می‌آید این محدودیت‌ها معمولا به اصلاح‌طلبان و محبوبیت‌شان کمک کرده چرا که آنها را مظلوم نشان می‌داد و نزد مردم موجه تر می‌کرده است**

من اگر معتقد بر این هستم که جریان اصلاحات باید در قدرت باشد همه می‌دانند اساسا خود من اجازه بودن در جریان قدرت را به دلایل سیاسی ندارم ولی معتقد به این هستم که باید حتما جریان اصلاحات به صورت سالم و پاک به دنبال رسیدن به قدرت برای اجرایی و پیگیری مطالبات مردم باشند. در پاسخ به نکته شما هم باید بگویم جریان اصولگرا یا هسته سخت قدرت وقتی در مقابل اصلاح‌طلبان موانعی ایجاد می‌کند، این موضوع محاسن و معایبی دارد. از محاسن آن این است که مردم به مظلومیت جریان اصلاح‌طلب پی می‌برند و از طرفی به آن اعتماد بیشتری می‌کنند اما از طرفی اصلاح‌طلبی تضعیف هم می‌شود وقتی ۸۰ نماینده اصلاح‌طلب مجلس را رد صلاحیت کردند این موضوع اثر خودش را به دست آوردیم، نتیجه این شد که مجلس چهارم، پنجم، هفتم، هشتم و نهم اصولگرایان اکثریت را در اختیار داشتند. این موضوع به اصلاح‌طلبان و منابع نیروی انسانی آسیب زیادی زد. وقتی فردی را رد صلاحیت کردیم ما یک سرمایه اجتماعی را کم می‌کنیم و این امر باعث می‌شود به جای آنکه نیروهای نخبه را بپرورانیم، نیروهایی با استعداد پایین را به قدرت برسانیم. بنابراین می‌خواهم بگویم در مجموع برآیند رد صلاحیت‌ها و مقابله با اصلاح‌طلبان به نفع مردم نیست اما به صورت مقطعی ممکن است که باعث شود سرمایه‌های اجتماعی اصلاح‌طلبان افزایش پیدا کند. ولی اگر ما این رد صلاحیت‌ها را نداشتیم – مگر اینکه شخصی فساد اخلاقی و اقتصادی داشته باشد– آن‌وقت بود که هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان باید پاسخگو می‌بودند. در آن موقع هم مردم به سراغ کسانی خواهند رفت که دارای ایده‌های جدید بوده، پاکدستی داشته و برنامه‌های مدونی ارائه داده باشند. اما در شرایط کنونی بین بد و بدتر را باید برگزینیم.

◀ **در نفی سخن شما باید بگویم تجربه نشان داده حتی اگر رد صلاحیتی در کار نباشد و چهره‌های اصیل اصلاح‌طلب تمام و کمال بر مستند قدرت بنشینند یا خودشان علیه خودشان**

**می‌شوند یا توانایی شان در اداره امور را به نمایش می‌گذارند، شورای اول و شورای پنجم شهر تهران نمونه عینی این موضوع است. آقای گرامی‌مقدم ! در انتخابات شوراهای شهر که دیگر شورای نگهبانی نبود تا به رد صلاحیت اصلاح‌طلبان دست بزند. لیست‌های اصلاح‌طلب تمام و کمال به شورا راه یافتند اما هم عملکرد چندان موفقیتی نداشتند و هم اینکه در خودشان به اختلاف افتادند. هم شوروی شهر اول را خاطرمان هست و هم دعوا بر سر اینکه چه کسی باید در لیست اصلاح طلبان برای شورای پنجم باشد .**

البته من معتقد نیستم این موضوع اظهارات من را نفی می‌کند، البته اگر هم نفی کند

ایرادی هم ندارد به هر حال این سخن من یک نظر شخصی است. اما حتما آنچه که شما می‌گویید تا حدود زیادی درست است. معتقدم علت اینکه اصلاح‌طلبان در جای که قرار می‌گیرند باز هم نمی‌توانند خوب عمل کنند همین اعمال محدودیت‌هایی است که برای جریانات سیاسی ایجاد می‌کند.

وقتی ردصلاحیت اصلاح‌طلبان صورت بگیرد، این مطلب مانع تکامل روبه رشد جریانات سیاسی است، اگر از ابتدا یعنی مجلس چهارم به بعد این مشکل رد صلاحیت‌ها را نداشتیم و در آن صورت اصلاح‌طلبان کارنامه موفق نداشتند، مردم آنها را کنار می‌گذاشتند و برای دوره‌های بعدی دستخوش این نزاع‌ها و درگیری‌ها نمی‌شدند. من با شما هم نظرم که این رد صلاحیت‌ها فرصت اندکی به اصلاح‌طلبان می‌دهد تا عیوبشان دیده نشود. اما علت اصلی این مشکلات را اصلاح‌طلبان نمی‌دانم. در برخی جوامع چون محدودیتی وجود ندارد احزاب می‌دانند برای رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و… که بیشتر تبلیغ آن‌ها را کرده یا حامی‌شان بودند، پاسخگو هستند. اما در ایران از یک طرف اصلاح‌طلبان به دلیل رد صلاحیت‌ها، مسیر تکامل خود را طی نکردند و از سوی دیگر اصولگرایان نیز چون مقتدرانه بر سر جای خودشان راحت نشستند، نتوانستند رشد کنند این موضوع باعث شده تا کشور هم از اصلاح طلب و هم از اصولگرا ضربه بخورد .

◀ **نظر تان پیرامون شوروی پنجم و قیاس آن با شورای اول چیست؟**

در مجموع شورای شهر پنجم نسبت به سایر شوراها عملکرد مثبت داشته است، اما وقایع غیر قابل پیش‌بینی باعث شد تا شورای شهر سه شهردار انتخاب کند شهردار اول با ۲۱ رأی انتخاب شد همه ننجفی را یکی از با تجربه ترین نیروهای اصلاح‌طلب می‌دانستند که به دلیل حواشی مختلف کنار رفت، بعد از آن افشانی آمد که قانون منع به کارگیری بازنشستگان دامن او را گرفت و بعد هم حناچی و حاشیه‌های صلاحیت او پیش آمد . به هر حال شورای شهر پنجم روش دموکراتیکی را در تصمیم‌گیری‌هایش داشت اما نگذاشتند کار کند.

ولی ما در شورای شهر اول بعد از اینکه رأی آوردیم ، انسجام‌مان به هم ریخت و در شرایطی که باید بزرگان قوم اصلاحات می‌نشستند تا مشکلات داخلی را حل کنند چنین نکردند.این امر باعث شد تا مردم ناامید شوند. ضمن اینکه شورای شهر اول در آن زمان به شدت سیاسی شد. حداقل شورای شهر پنجم از این حیث بسیار متفاوت با شورای اول است. در شورای اول اصلا کارنامه قابل قبول نداشتیم البته این بدان معنا نیست که در باقی جاها عملکرد مثبتی داشتیم مطمئنا در باقی جاها نیز کارنامه ما قابل نقد است. اما به هر حال همان تجربه شورای اول باعث شده اکنون در شورای شهر پنجم اتحاد و هم نظری بیشتری ببینیم البته حتما به اعضای شورای کنونی هم نقد وارد است اما عملکرد کلی آن‌ها در بحث انسجام قابل تقدیر است چرا که باید پذیرفت بزرگترین اشکال ما اصلاح‌طلبان عدم انسجام در مدیریت است.

◀ **یکی از چهره‌های اصلاح‌طلب گفته است که اصلاح‌طلبان بنا نیست از بزرگان اصلاحات پیروی کنند به نظر شما جریان اصلاح‌طلبی تا چه اندازه مستقل از بزرگان خود عمل می‌کند؟**
حقیقت این است که اصلاح‌طلبان نخله‌های فکری بسیار وسیعی دارند، وقتی از اصلاح‌طلبان می‌گوییم باید بدانیم که آنها خاستگاه متفاوتی دارند یعنی از نهضت آزادی و ملی و مذهبی‌ها بگیرد تا آن جایی که دامن اصلاحات را اعتدال و توسعه و حتی لاریجانی هم می‌گیرد (می‌خندند).

◀ **بنابراین با صراحت معتقدید ملی و مذهبی‌ها و نهضت آزادی هم اصلاح‌طلبند.**

بله! اینها اصلاح‌طلبند و همواره با مرام اصلاح‌طلبی حرکت می‌کردند.

◀ **نتیجه؟**

می‌خواهم بگویم از یک چنین طیف وسیعی نباید انتظار داشت که آنها تبعیت‌پذیر یک نفر باشند، خاستگاه‌های آنها نیز خیلی متفاوت است.اصلاح‌طلبان با هر نخله فکری در هر انتخاباتی باید انسجام خودشان را حفظ کنند، این اتفاق تحت هر گروه و نهاد و سازمانی می‌تواند اتفاق بیفتد. تحت شورای هماهنگی، احزاب، شورای عالی سیاست‌گذاری یا هر مجموعه‌ای که باشد باید این نهادها چنین کاری را بکنند، اگر چنین انسجمی نباشد اصلاح‌طلبان بیشترین آسیب را از همین ناحیه خواهند خورد، اصلاح‌طلبان باید مراقب باشند که از درون خودشان ریزش نکنند و یک نکته مهم دیگر آنکه به نظرم می‌رسد در این فرصت باقی مانده شورای عالی سیاست‌گذاری باید به احزاب بهای بیشتری بدهد.

◀ **مگر چقدر احزاب در مشارکت سیاسی نقش دارند؟**
اینطور نیست که احزاب نقش نداشته باشند اما نقش محوری ندارند.

◀ **پس چه توفیری می‌کنند شورای سیاست‌گذاری به احزاب بها بدهد یا نه؟**
تا احزاب سیاسی نماینده نشوند هیچ چیز درست

نمی‌شود. هیئتی اداره کردن جریان‌های سیاسی عرضه‌های خاص خودش را دارد، یکی از پایه‌های مهم دموکراسی همین احزاب و نهادهای مدنی هستند. این احزاب سیاسی هستند که باید پاسخگوی نتایج سیاسی باشند اما چون ما احزاب قدری نداریم هیچ‌کس هم در کشور پاسخگو نیست در نتیجه ما به توسعه‌یافتگی هم نمی‌رسیم. شما در دنیا کشوری را پیدا نمی‌کنید که توسعه‌یافته بوده، اما احزاب سیاسی نداشته باشد هر کشوری که توسعه‌یافته است توسعه‌یافته نیز نیست، احزاب سیاسی در آن کشورها نیز یا وجود ندارد یا کنترل شده و ضعیف است از همین روست که باید به دنبال آن باشیم تا در ایران احزاب سیاسی نقش بازی کنند، این درست که احزاب سیاسی در کشور دارای نقاط ضعف و قوتی هستند اما از سویی خود ما هم این احزاب را ضعیف می‌کنیم. به عنوان مثال با تمام ارداتی که به شورای عالی سیاست‌گذاری دارم و با اشاره به اینکه خود من نیز عضو حقیقی آن شورا هستم، باید بگویم که بعضی از معیارها را در شورا در نظر نگرفته ایم و این نکته‌ای است که مورد انتقاد احزاب سیاسی است. از سویی می‌گوییم می‌خواهیم به احزاب بها بدهیم ولی تعداد اعضای حقیقی را برابر نمایندگان احزاب در شورا کرده ایم، بسیاری از شخصیت‌های حقیقی هم شخصیت‌هایی با چهره ملی نیستند. این موضوع موجب اعتراضات سیاسیون اصلاح طلب و احزاب آن‌ها خواهد شد. اگر ما مدعی هستیم که به احزاب سیاسی بها دادیم باید وزن این احزاب بیشتر شود. وقتی یک حزب سیاسی اطمینان پیدا کند که سهمی در قدرت دارد در حزب، انتخابات برگزار می‌کند در شهرستان‌ها، شورای احزاب را تشکیل می‌دهد فعالیت‌ها از شهرستان به استان می‌رسد از استان به کشور می‌رسد . مسئولیت این زنده بودن فضای سیاسی را ۲۰ تا ۲۵ حزب بر عهده می‌گیرند. اما وقتی که ما برای حزب سیاسی ارزش قائل نیستیم، عملا انگیزه کار سیاسی گرفته می‌شود. البته بی تردید شورای عالی سیاست‌گذاری در انتخابات ۹۲، ۹۴، ۹۶ تاثیر مثبت داشته است و اگر این معایب را هم برطرف کند برای سال‌های آینده هم می‌توان امیدوار بود.

ادامه در صفحه ۱۵

آفتاب یزد– امید کاجیان: روزهای سخت، او را از پای در نیاورد. حتی اگر بیبانی را از او گرفته باشد. اما باز هم از سیاست دست نکشید . اسماعیل گرامی‌مقدم هنوز هم اهل سخنوری است و البته سخنگوی حزب اعتماد ملی . اگر چه که حزب متبوعش در این سال‌ها ماجراهای عجیب و غریب کم نداشته است. ماجراهایی تلخ که بعضی وقت‌ها به خاطر فشارهای بیرونی بوده و بعضی اوقات اختلافات درونی. با این حال او هنوز هم به آینده اصلاحات و البته حزب امیدوار است. می‌گوید راهی دیگر نیستت باید همین مسیر را رفت و صبر داشت. مبارزه را در همان چارچوب‌هایی که قبلا دنبال می‌کرد دنبال می‌کند و البته برخلاف عده‌ای که از کنار رفتن اصلاح طلبان از قدرت برای بازسازی خود می‌گویند معتقد است که اصلاح طلبان باید هنوز هم در قدرت بمانند و گر نه گوشه نشینی شان این جریان را نیز به کنج عزلت خواهد برد . گفتگوی آفتاب یزد با اسماعیل گرامی‌مقدم نماینده سابق مجلس و سخنگوی حزب اعتماد ملی را از حال و هوای این روزهای اصلاح طلبان در ادامه می‌خوانید.

◀ **به نظر می‌آید این روزها جریان اصلاح طلبی وضعیت مطلوبی ندارد و پایگاه اجتماعی سابق خود را از دست داده است. به دلیل این اتفاق برخی از تئوریسین‌های اصلاح‌طلب سخن از راهکارهایی مانند اصلاح در اصلاحات، تشکیل هسته سخت یا آرایش اصلاحات و تئواصلاح طلبی برای بازیابی این جریان به میان می‌آورند، فکر می‌کنید این اظهارات و ترندها آیا کارایی دارد و می‌تواند باعث تغییر در روند فعلی وضعیت اصلاح طلبان شود؟**

در شرایط کنونی کشور آنچه را که می‌گوییم برآورد ما از شرایط کنونی است هر چند ما آمار دقیق علمی‌از این موضوع نداریم که حامیان اصلاح طلب تا چه میزان ریزش کرده‌اند یا تا چه اندازه ناامید شده‌اند، اما با توجه به شرایط کنونی کشور که فشارهای گسترده اقتصادی بر گرده مردم سوار شده و زندگی مردم را مختل کرده است، می‌توانیم بگویم مردم ناراضی‌اند و بخش‌هایی از این نارضایتی دامن اصلاح طلبان را نیز گرفته است یا خواهد گرفت. هر چند این برآوردها را در یک انتخاباتی دیگر مثل انتخابات مجلس ۹۸ می‌توانیم دقیق تر محک بزینم.

◀ **اینکه در انتخابات قرار است اصلاح طلبان رای بیاورند یا نه را ملاک محبوبیت اصلاح طلبان می‌دانید؟ خودتان هم می‌دانید که معمولا در انتخابات ما، ترس از یک شخص یا یک گروه باعث رای به گزینه رقیب‌او که یا معتدل تر یا اصلاح طلب است می‌شود. مگر فکر می‌کنید از میان ۲۴ میلیون رای حسن روحانی، چه تعدادشان به واسطه دلبستگی به روحانی و اصلاح طلبان پای صندوق رفتند و به وی رای دادند و چقدر به واسطه ترسی که از آمدن دیگری در داخل دولت طلب است کشور ایجاد شده بود روی برگه‌هایشان نام روحانی را نوشتند؟**
اینکه بخواهیم صرفا چنین آرای را ملاک پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان قرار دهیم تصور نمی‌کنم سخن درستی باشد. به هر حال همیشه در انتخابات جوی ایجاد می‌کنند که بخشی از مردم از ترس و نگرانی‌های یک گزینه که مطلوب اصلاح طلبان نیست، بروند و به دیگری رای بدهند.

به هر صورت در یک انتخابات است که می‌توانیم بفهیم حامیان قبلی خود را داریم یا نه؛ این موضوع ملاک درستی باشد چه نباشد. میزان رای در انتخابات آتی و قیاس آن با سال‌های قبل تنها موضوعی است که می‌توان آن را کمیته بررسی کرد و به نتیجه رسید . در شرایط کنونی و بعد از تحریم‌های آمریکا به دلیل اینکه کشور به شدت دگرگون شده، نرخ تورم افزایش پیدا کرده است، بنابراین ما می‌توانیم حدس بزینم که این موضوع پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان و حامیان آنها را ریزش داده است اما قاعدتا این ریزش به سبب اصولگرایان نمی‌رود. به هر حال همان انتخابات نقش تعیین‌کننده در نظر نهایی ما راجع به این موضوع دارد که آیا باز هم اصلاح طلبان یک راه چاره نسبی برای مردم محسوب می‌شوند یا خیر؟

◀ **به نظر تان می‌شوند ؟**

در جریان انتخابات اگر ما آلترناتیو دیگری به جز اصلاح طلب و اصولگرا داشتیم آن موقع می‌توانستیم بگویم که این نارضایتی در انتخابات آینده باعث متضرر شدن اصلاح طلبان می‌شود؛ چرا که مردم برای انتخاباتشان دیگر نه به اصلاح طلب و نه به اصولگرا رای نمی‌دادند بلکه جریان سوم را انتخاب می‌کردند. اما از آنجا که هم‌اکنون همین دو جریان وجود دارند و از طرفی خط مشی اصولگرایان نیز تغییر نکرده بلکه تندروتر شده‌اند، پرسش اینجاست که آیا باز هم مردم بین بد و بدتر انتخاب می‌کنند؟ که این موضوع بسیار محتمل است. یعنی مردم در انتخابات آتی باز هم از میان اصلاح طلب و اصولگرا آن جریانی را انتخاب می‌کنند که کمترین ضرر را به آنها و زندگی‌شان می‌زند.

در انتخابات ۹۲، ۹۴ و ۹۶ آرمان مردم آن نبود که حسن روحانی رئیس‌جمهور شوند و اصلاح‌طلبان در مجلس رای بیاورند بلکه مردم تمام کاری که می‌توانستند بکنند این بود که جلو تندروی بیش از اندازه را بگیرند. مثلا شما تصور کنید در شرایطی که ترامپ از برجام خارج شده است ، از این سو در ایران دولت رقیب روحانی بر سر کار بود، آن موقع فکر می‌کنید وضعیت به چه نحوی بود؟ فکر کنید اگر ایران هم فوری از برجام خارج می‌شد به چه جاهای بحرانی‌تری می‌رسدیم. مردم هوشمندانه چنین مسائلی را رصد می‌کنند. من معتقدم نارضایتی هم که در حال حاضر به وجود آمده است، را نباید به گردن حسن روحانی بیندازیم. از همین رو معتقدم که مردم در انتخابات آینده هم جریانی را انتخاب می‌کنند که کمترین خسارت را به آن‌ها بزند.

◀ **بنابراین معتقدید مردم باز هم برای انتخاب به اصطلاح بد و بدتر در سال‌های آتی بسج می‌شوند تا بد را انتخاب کنند.**

بله باز هم چنین اتفاقی می‌افتد.

◀ **اما من نمی‌فهمم چطور در شرایط انتخاب بد و بدتر باید به این نتیجه برسیم که اصلاح طلبان محبوب هستند؟**
بحث محبوبیت نیست. اما معتقدم به هر حال پایگاه اصلاح طلبان از لحاظ میزان آرای پای صندوق چندان تغییری نمی‌کند. در هر صورت ضریب کشش رای اصلاح طلب‌ها در میان مردم بیشتر است این موضوع نیز دلایلی دارد، یکی از این دلایل این است که مطالبات مردم را بیشتر دغدغه اصلاحات باید دانست تا اصولگرایان.

◀ **در این میان تئو اصلاح طلبی و تئو اصولگرایی در کجا هستند؟**
اگر متغیر جدیدی بخواهد وارد این رقابت سیاسی شود باید خارج از جریان‌های